

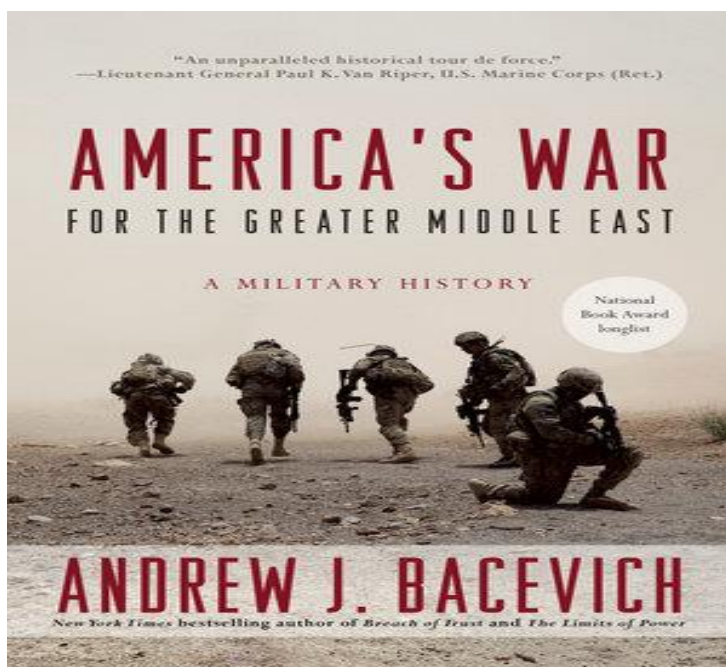
نویسنده: اندریو واسیویچ «Andrew Bacevich»

منبع و تاریخ نشر: تام دیسپیچ «2023-12-08»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جنگ آمریکا برای خاورمیانه بزرگ (ادامه دارد)

the America's War for the Greater Middle East (Continue)



یکی از راه‌های درک حمام خونی که اسرائیل را در مقابل حماس قرار می‌دهد، این است که آن را آخرین فصل از یک مبارزه وجودی که به زمان تأسیس دولت یهود در سال 1948 برمی‌گردد، در نظر بگیریم. در حالی که دامنه، مخرب بودن و طول مدت جنگ در غزه وحشتناک است. ممکن است از قسمت‌های قبلی پیشی بگیرد، این آخرین دور زدن عمدتاً برای تأیید مجدد غیرقابل حل‌ناپذیری قابل توجه درگیری اساسی اعراب و اسرائیل است .

اگرچه شکل آن جنگ در طول زمان تغییر کرده است، اما ثابت های خاصی باقی مانده است. به عنوان مثال، به نظر نمی رسد هیچ یک از طرفین قادر به دستیابی به اهداف سیاسی نهایی خود از طریق خشونت نباشند. و هر یک از طرفین قاطعانه از پذیرش خواسته های اصلی دشمن خود امتناع می ورزند. در حقیقت، در حالی که جنگ واقعی ممکن است فروکش کند، متوقف شود و از سر گرفته شود، چونکه سرزمین مقدس به محل درگیری دائمی تبدیل شده است.

برای چندین دهه، ایالات متحده با قرار دادن خود در نقش داور منطقه ای به دنبال حفظ فاصله خود از آن جنگ بود. دولت های متوالی همزمان با ارائه تسلیحات و پوشش دیپلماتیک به اسرائیل، همزمان تلاش کرده اند تا ایالات متحده را به عنوان یک «میانجی صادق» قرار دهند که متعهد به پیشبرد هدف بزرگتر صلح و ثبات خاورمیانه است. البته، دوزخا و تمندانه بدبینی همیشه این "فرایند صلح" را آگاه کرده است.

با این حال، لحظه حال گریه را به طور کامل از کیف خارج کرده است. دولت **بایدن** به حمله تروریستی هولناک در (7) اکتبر پاسخ داد و بی تردید تلاش های اسرائیل برای نابودی حماس را تایید کرد و از این طریق غزه ای ها را در معرض یک کمپین بمباران نابودی به سبک جنگ جهانی دوم قرار داد. در همین حال، شهرک نشینان اسرائیلی، با نادیده گرفتن اعتراضات ملایم دولت **بایدن**، به اخراج فلسطینی ها از بخش هایی از کرانه باختری رود اردن ادامه می دهند، جایی که آنها برای نسل ها در آن زندگی می کردند. اگر حمله اکتبر حماس یک تراژدی بود، طرفداران اسرائیل بزرگ نیز آن را فرصتی منحصر به فرد می دانستند که با اشتیاق از آن استفاده کردند. در مورد روند صلح، که در حال حاضر تحت حمایت زندگی است، اکنون به نظر می رسد که کاملاً منحل شده است. چشم انداز احیای آن به زودی دور به نظر می رسد.

جنگ کم و بیش خارج از صحنه این اثر جانبی را دارد: در حالی که نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) از تسلیحات و مهمات ارائه شده توسط ایالات متحده برای تبدیل غزه به ویرانه استفاده می کنند، "نظم بین المللی مبتنی بر قوانین" که توسط دولت **بایدن** به عنوان آخرین سازمان دهنده تبلیغ می شود. اصل حکومت داری آمریکا هر گونه اعتبار جزئی را که می توانست داشته باشد از دست داده است. حمله روسیه به اوکراین در مقایسه تقریباً سنجیده و انسانی به نظر می رسد.

واکنش فوری پرزیدنت **بایدن** به وقایع 7 اکتبر، گویی برای تاکید بر پایبندی محدود خود و اشنگتن به این دستور مبتنی بر قوانین، بر اقدام نظمی یکجانبه، تقویت نیروی دریایی و هوایی ایالات متحده در خاورمیانه در حالی که سلاح های بیشتری به اسرائیل می فرستد، متمرکز بود. نیروهای آمریکایی در منطقه که ظاهراً وظیفه کنترل هر گونه گسترش بیشتر خشونت را دارند، در عوض پیوسته به سمت تبدیل شدن به جنگجویان تمام عیار پیش می روند.

در هفته‌های اخیر، نیروهای ایالات متحده ده‌ها حمله تلفات آور، عمدتاً از طریق راکت و پهپادهای مسلح را متحمل شده‌اند. با نسبت دادن این حملات به «گروه‌های وابسته به ایران»، ایالات متحده با حملات هوایی که انبارها، تأسیسات آموزشی و پست‌های فرماندهی در سوریه و عراق را هدف قرار می‌دهد، پاسخ داده است.

به گفته سخنگوی پنتاگون، هدف کلی اقدام نظامی آمریکا در منطقه «پیام بسیار قوی به ایران و گروه‌های وابسته به آن برای توقف» است. تا کنون، تأثیر چنین پیام‌هایی در بهترین حالت مبهم بوده است. مطمئناً تلاش‌های تلافی جویانه ایالات متحده ایران را از ادامه جنگ نیابتی خود علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه منصرف نکرده است. از سوی دیگر، ابعاد آن حملات مورد حمایت ایران کم است. بقا بل ذکر است که هنوز هیچ نظامی آمریکایی کشته نشده است. حداقل در حال حاضر، این واقعیت ممکن است تعریف عملیاتی دولت از موفقیت باشد. تا زمانی که هیچ تابوت پرچمدار در پایگاه نیروی هوایی **دوور در دلاور** دیده نشود، ممکن است که برای **جوبایدن** وضع کاملاً قابل تحمل باشد که زیرمجموعه ایالات متحده و ایران در جنگ اسرائیل و حماس برای مدت نامحدودی در پشت آتش بجوشد.

الگوی خشونت آمیز او در بهترین حالت، توجه عمومی پراکنده را به خود جلب کرده است. به کجا (اگر جایی) منجر شود نامشخص است. با این حال، ایالات متحده در معرض خطر گشودن مؤثر جبهه جدیدی در آنچه که قبلاً جنگ سرتاسری علیه تروریسم نامیده می‌شد، قرار دارد. آن جنگ اکنون تقریباً خاموش است، یا حداقل از دید عموم پنهان است. احتمال بسیار واقعی تفسیر نادرست یا نادیده گرفتن عمدی هر یک از طرفین از "پیام" طرف مقابل، می‌تواند آن را دوباره شعله ور کند، با یک جنگ گسترده که مستقیماً ایالات متحده را در مقابل ایران قرار می‌دهد و جنگ اسرائیل و غزه را شبیه یک دعوی کوچک می‌کند.

سپس پیامدهای داخلی بالقوه وجود دارد. بدون شک مشاوران سیاسی پرزیدنت **بایدن** از احتمال یک جنگ بزرگ که بر نتیجه انتخابات 2024 تأثیر می‌گذارد زنده هستند (و نه لزوماً به نفع رئیس جمهور فعلی). به راحتی می‌توان تصور کرد **دونالد ترامپ** حتی تعداد انگشت شماری از تلفات نظامی ایالات متحده در درگیری‌های خاورمیانه را به عنوان مدرک قطعی ناتوانی رئیس جمهور شبیه به عقب نشینی نامسا من آمریکا از کابل، افغانستان، در اولین سال ریاست جمهوری بایدن، به دست آورد.

دو جنگ به هم می‌رسند

درک پیامدهای بزرگتر این تحولات مستلزم قرار دادن آنها در زمینه وسیع تری است. در غزه در دو ماه گذشته، دومتا کشمکش طولانی که برای چندین دهه در مسیرهای موازی آشکار شده بود، سرانجام به هم نزدیک شدند. این احتمالاً پیامدهای

عمیقی برای سیاست‌های امنیتی ایالات متحده خواهد داشت، حتی اگر تعداد کمی در واشنگتن از پیامدهای بالقوه آن آگاه باشند.

در یک مسیر، مربوط به سال 1948 (اگرچه مقدمات آن چندین دهه قبل از آن رخ داده است) درگیری اعراب و اسرائیل است. وقایع 1948 که در میان اسرائیلی‌ها به عنوان جنگ برای استقلال ثبت شده است، برای اعراب به عنوان نكبه یا "فاجعه" تلقی می‌شود. فوران‌های بعدی خشونت هرچند که از چند گاهی رخ می‌دهد، زیرا ملت‌های عرب خشم خود را نسبت به دولت یهود تخلیه می‌کنند و اسرائیل به دنبال فرصت‌هایی برای ایجاد یک اسرائیل منسجم‌تر و اقتصادی‌تر از نظر استراتژیک‌تر است، به غیر از تأیید کتاب مقدس، «اسرائیل بزرگ».

مقامات آمریکایی که در ابتدا قصد داشتند از درگیری اعراب و اسرائیل دوری کنند - حتی گاهی اوقات رفتار نادرست اسرائیل را محکوم می‌کردند - به مرور زمان به خود اجازه دادند که به تدریج به نزدیکترین متحد اسرائیل تبدیل شوند. با این حال، بر اساس شرایط روابط در حالی که تکامل یافت، رهبران اسرائیل بر حفظ مقدار زیادی از خودمختاری استراتژیک اصرار داشتند. به عنوان مثال، بر سر مخالفت‌های پرسر و صدا واشنگتن، به زرادخانه هسته‌ای قوی دست یافت. برای تضمین امنیت خود، اسرائیلی‌ها بر توانایی‌های نظامی خود تأکید داشتند، نه توانایی‌های ایالات متحده.

در همین حال، در مسیر دیگر، که مربوط به انتشار دکترین **کارتر** رئیس‌جمهور جیمی کارتر در سال 1980 است، نیروهای ایالات متحده دست خود را در منطقه پر کرده‌اند. با تشدید یا دفع تهدیدات علیه امنیت اسرائیل توسط اسرائیل، دولت‌های متوالی آمریکا مجموعه‌ای از تعهدات نظامی، مداخلات و اشغال‌های جدید را در سراسر خاورمیانه بزرگ انجام دادند که ربطی به حفاظت از اسرائیل نداشت.

در خلیج فارس، شامل، شاخ آفریقا، بالکان و آسیای مرکزی، پنتاگون با مشکلات خود برخورد کرد، زیرا این مناطق به محلی برای میزبانی از نیروهای آمریکایی درگیر در عملیات‌هایی با هدف محافظت، مجازات یا حتی «آزادسازی» تبدیل شدند. چنین اقدامات نظامی و حضور نیروهای آمریکایی در سراسر خاورمیانه - به جز در اسرائیل - عادی شد. در پی حملات 11 سپتامبر، اقدامات نظامی واشنگتن زمانی که پرزیدنت **جورج دبلیو بوش** یک کارزار جهانی را با هدف از بین بردن شرارت آغاز کرد، به نقطه ضعف خود رسید.

در همین حال، درگیری‌های مختلفی که توسط نیروهای اسرائیلی از دهه 1950 تا قرن حاضر انجام شد، نتایج متفاوتی به دست آورد. از یک سو، دولت یهود پابرجاست و حتی گسترش یافته است - یک تعریف حداقلی از "موفقیت". از سوی دیگر، رویدادهای اخیر تأیید می‌کند که تهدیدها علیه موجودیت اسرائیل نیز ادامه دارد. در مقایسه، جنگ

جهانی یا سرتاسری علیه ترور به رهبری ایالات متحده شکست آشکاری را نشان داد، حتی اگر به نظر میرسد تعداد کمی از آمریکایی های عادی (و حتی تعداد کمتری از اعضای تشکیلات سیاسی) مایل به تصدیق این واقعیت باشند .

هنگامی که رژیم تحت حمایت ایالات متحده در کابل در سال 2021 فروپاشید، به نظر می رسد که ماجراجویی های نظامی آمریکا در خاور میانه بزرگ در حال فروکش است. نتیجه تحقیر آمیز عملیات آزادی پایدار در افغانستان در پی نتیجه ناامیدکننده عملیات آزادی عراق، ظاهراً اشتهای واشنگتن را برای بازسازی منطقه از بین برده بود. علاوه بر این، روسیه نیز وجود داشت که به آن گرایش داشت - و چین. به نظر می رسد اولویت های استراتژیک در حال تغییر هستند .

زنگ هشدار، به سبک آمریکایی

اما اکنون، در پی جنایات (7) اکتبر و موافقت ضمنی واشنگتن با اهداف جنگ حداکثری اسرائیل، این تصور مشکوک مبنی بر اینکه منافع حیاتی آمریکا هنوز در خاورمیانه بزرگ در خطر است جان تازه ای به خود گرفته است. از دهه 1980، واشنگتن استدلال های مختلفی را برای این که چرا آن بخش از جهان ارزش خرج خون و گنج آمریکا را دارد، بررسی کرده بود: تهدید تجاوز شوروی، اتکای ایالات متحده به نفت خارجی، دیکتاتورهای افراطی عرب، جهادی اسلامی، سلاح های جنگی. کشتار جمعی در دستان متخاصم، پاکسازی قومی بالقوه و نسل کشی. همه آنها در یک زمان تحت فشار قرار گرفتند تا ادامه رفتار با خاورمیانه به عنوان یک اولویت استراتژیک ایالات متحده را توجیه کنند .

با این حال، در حقیقت، هیچ یک از آنها امتحان زمان را پس نداده اند. هر کدام ثابت کرده اند که مغالطه آمیز هستند. در واقع، تلاش ها برای درمان منابع ناکارآمدی که منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد، کار احمقانه ای بود که هزینه های گزافی را برای ایالات متحده از نظر مالی و جانی در بر داشت، در حالی که ارزش کمی به همراه داشت .

به همین دلیل، اجازه دادن به درگیری اسرائیل با حماس برای کشاندن ایالات متحده به یک جنگ صلیبی جدید در خاورمیانه، اوج حماقت خواهد بود. اما در واقع، با توجه اندک عمومی و حتی نظارت کمتر کنگره، این دقیقاً همان چیزی است که ممکن است رخ دهد. به نظر می رسد جنگ جهانی یا سرتاسری علیه ترور در آستانه جذب جنگ غزه در پیکربندی کنونی آن است .

در سال های اخیر، تغییر اولویت های پنتاگون به اقیانوس هند و اقیانوس آرام و رویارویی آینده با چین، تنها حدود 2500 سرباز آمریکایی در عراق و 900 سرباز دیگر در سوریه باقی گذاشته است. ماموریت اسمی چنین پادگان های با اندازه متوسط، ادامه مبارزه با

بقایای داعش است با این حال، مقامات کاخ سفید هرگز از راه خود برای توضیح اینکه این نیروها واقعاً در آنجا چه می‌کنند، کوتاهی نکرده‌اند. در عمل، آنها به طور موثر به اهداف ثابت دعوت کننده تبدیل شده‌اند. در نتیجه و نه برای اولین بار، "حفاظت از نیروها" به عنوان بهانه ای مناسب برای ایجاد یک واکنش تنبیهی گسترده تر ظاهر شده است.

با پذیرش ادعاهای کنگره مبنی بر اینکه مجوز استفاده از نیروی نظامی (AUMF) که در پاسخ به 11 سپتامبر تصویب شده بود، برای پوشش دادن هر نیروی آمریکایی در منطقه تا 22 سال بعد کافی است، دولت بایدن از نظر عملکردی دستش باز است تا به عنوان عمل کند. آرزو می‌کند راهی که انتخاب کرده این است که از جنگ اسرائیل در غزه به عنوان منطقی برای تغییر مسیر در خاورمیانه استفاده کند و بار دیگر خشونت و تهدید به خشونت را مبنای سیاست ایالات متحده در آنجا قرار دهد. در این زمینه، این واقعیت که برخی از نیروهای آمریکایی اکنون به طور مخفیانه در خود اسرائیل فعالیت می‌کنند باید زنگ خطر را به صدا درآورد.

جنگ غزه اسرائیل را به گونه ای تغییر خواهد داد که ممکن است پیش بینی آن دشوار باشد. شکست نهادهای نظامی و اطلاعاتی افتخارآمیز آن در پیش بینی و خنثی کردن بدترین حمله تروریستی در تاریخ آن کشور، اسرائیلی‌های یهودی را با احساس آسیب پذیری بی‌سابقه مواجه می‌کند. به سختی تعجب آور خواهد بود که آنها به دنبال حمایت از واشنگتن باشند، در این صورت بقای اسرائیل می‌تواند به مسئولیت آمریکا تبدیل شود.

این دعوت دعوتی است که ایالات متحده بهتر است آن را رد کند. پذیرش آن، آمریکایی‌ها را با چالش‌هایی مواجه می‌کند که برای رویارویی با آنها مجهز نیستند و با تعهداتی که نمی‌توانند از عهده آن برآیند. تعمیق دخالت پنتاگون در خاورمیانه بزرگ تنها شکست‌هایی را که دکتورین **کارتر** قبلاً این کشور را در معرض آن قرار داده است، تشدید می‌کند، در حالی که اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده را به روش‌هایی که مطمئناً نتیجه معکوس نشان می‌دهند، در هم می‌کشند.

در سال 1796، جورج واشنگتن به هموطنان خود در مورد خطرات ناشی از اجازه دادن به "وابستگی پرشور" به ملت دیگری بر سیاست‌ها هشدار داد.

این اخطار امروز هم مرتبط است. جنگ غزه جنگ آمریکا نیست و نباید تبدیل شود.

TomDispatch را در توئیتر دنبال کنید و در فیس بوک به ما بپیوندید. جدیدترین **Dispatch Books**، رمان دیستوپایی جدید جان ففر، **Songlands** آخرین مجموعه **Splinterlands** و **Every Body Has a Story** اثر بورلی گوگورسکی، و **Nation Unmade by War** اثر تام انگلهارت، و همچنین **آلفرد مک کوی** در سایه‌ها را ببینید. کتاب قرن آمریکایی: ظهور و زوال قدرت جهانی ایالات متحده، کتاب «قرن

خسونت‌آمیز آمریکایی: جنگ و ترور از جنگ جهانی دوم» اثر جان داور، و «آنها
سربازان: چگونه زخمی‌ها از جنگ‌های آمریکا بازگشتند: داستان ناگفته» اثر آن جونز.
اندرو باسویچ، عضو عادی TomDispatch، رئیس و یکی از بنیانگذاران
موسسه Quincy for Responsible Statecraft است.

----- **با تقدیم احترام «2023-12-15»**